

معرفی تذکره خازن الشعرا

سید اختر مهدی رضوی*

در میان تمامی ملل دنیا - از دیرباز تا امروز - هیچ دو ملتی را نمی‌توان یافت که به اندازه دو ملت هند و ایران در طی قرون و اعصار، با یکدیگر پیوندهای استوار و همه‌جانبه داشته باشند. این پیوندها پیشینه‌ای به درازنای تاریخ دارد و از نخستین ادوار موجودیت دو ملت هم‌نژاد آریایی، حتی می‌توان اشاره کرد؛ از هنگامی آغاز می‌شود که هندیان و ایرانیان، به عنوان قومی واحد در کنار همدیگر زندگی می‌کردند و ویژگی‌ها و فرهنگ و تمدنی واحدی داشتند. چنانکه پس از گذشت هزاران سال، امروز نیز مشترکات گوناگون اعم از تجاری و اقتصادی و اجتماعی و بخصوص مشترکات فرهنگی فراوانی میان این دو ملت وجود دارد که نظیر آن در هیچ کجای دیگر نمی‌توان یافت. در میان عوامل تقویت‌کننده پیوندهای فرهنگی میان ایرانیان و هندیان، زبان و ادب فارسی بی‌تردید مهم‌ترین نقش را داشته و دارد.

زبان فارسی با زبان علمی قدیم و مقدس هندوان یعنی زبان سانسکریت از یک ریشه است. زبان فارسی در این شبه‌قاره به وسیله ادب دوستان هندی و ایرانی

* - دانشیار فارسی دانشگاه جواهر لعل نهرو، دهلی‌نو.

گسترش یافت و در حقیقت به عنوان پُل ارتباطی نیرومندی موجود است؛ که مردم دو کشور را از یک سو به یکدیگر پیوند می‌دهد؛ و از سوی دیگر، هر یک از دو طرف را با گذشته خود و گذشته طرف دیگر مرتبط می‌نماید. همان گذشته‌ای که در آن شاعران نام‌آور و نویسندگان گرانقدری می‌زیستند؛ که برجسته‌ترین شاهکارهای علمی و ادبی ایشان در کتابخانه‌ها و موزه‌های ملی دنیا به عنوان یادگار گران سنگ و میراث مشترک فرهنگی دو ملت هند و ایران نگهداری می‌شود. بسیاری از این آثار خطی و چاپی مشتمل است بر دیوان و کلیات شاعران، فرهنگ لغت، دستور زبان، انشاء و فن نگارش، علم فلسفه و منطق، علوم اخلاقی و اجتماعی، تذکره‌نویسی و غیره.

با درنظر گرفتن شاهکارهای علمی و ادبی نیاکان ما، محققان و دانشمندان معروف ایرانی اعتراف نموده‌اند؛ خدمات محققان و ادب‌دوستان هند که با چاپ اولین تذکره فارسی «الباب الالباب» عوفی یزدی و اولین روزنامه فارسی «مرأة الاخبار» در راه نگهداری و گسترش زبان و ادب فارسی انجام داده‌اند؛ هیچوقت کمتر از ایرانیان نبوده و فارسی تنها متعلق به ایران نیست. رابطه ما هندیان هم با این زبان «عشق و عرفان» خیلی قوی و ناگسستنی است. با حمایت و سرپرستی سلاطین دهلی و پادشاهان مغول، زبان و ادب فارسی به حدی در این شبه قاره پیشرفت نمود که صدها نفر از شعرا و نویسندگان معروف ایرانی وارد این سرزمین شدند و این بیت در بین آفرینندگان هنر و ادب فارسی شهرت فراوانی بدست آورد.

نیست در ایران زمین سامان تحصیل کمالی تا نیامد سوی هندوستان حنا رنگین نشد
عشق و علاقه فوق‌العاده هندیان به زبان و ادب فارسی بالاخر سبک نگارشی را در
ادبیات فارسی بوجود آورده که با نام سبک هندی شناخته می‌شود و نه تنها شاعران و
تذکره‌نویسان هندی بلکه شاعران و خالقان ادب فارسی که در ایران زندگی می‌کردند از
سبک هندی پیروی نموده‌اند.

پس از استیلای انگلستان بر سرزمین پنهاور هند، اگرچه زبان و ادب فارسی رونق فوق‌العاده خود را از دست داده بود و عمال انگلیس تلاش گسترده‌ای می‌نمودند که زبان انگلیسی را جایگزین زبان فارسی بنمایند؛ ولی محققان و دانشمندان هندی کار تحقیقی و تخلیقی خود را با زبان فارسی ادامه دادند و «تذکره خازن الشعرا» یکی از مهم‌ترین شاهکارهای ادبی است که در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی در شهر کوچکی بنام شهر اله‌آباد نگارش یافت.

واژه تذکره در فرهنگ‌های فارسی به معانی و مفاهیم مختلف آمده است. مثلاً یادداشت، یادآوردن^۱ یا کتاب تاریخ حالات و اشعار شعرا^۲، یا کتابی که در آن احوال شعرا را نوشته باشد. ولی در اصطلاح ادبی و بنا به گفته دکتر علی رضا نقوی، تذکره کتابی است که در آن شرح حال و آثار شاعری یا عده‌ای از شعرا آمده باشد.^۳ اگر در کتابی فقط نمونه‌ای از اشعار شعرا باشد و شرح حال آنها نباشد در اصطلاح ادبی آن کتاب را با نام «جنگ» یا «بیاض» یا «سفینه» یاد می‌کنند.

ذکر تذکره خازن الشعرا در کتابهای تاریخ تذکره‌های فارسی و تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان وجود دارد ولی دکتر علی رضا نقوی در ذکر نام این کتاب نام «خزینة الشعرا»^۴ را آورده است اما آقای دکتر احمد گلچین معانی در کتاب خود این تذکره را بنام «خازن الشعرا» یا «واقعات النادر»^۵ ذکر کرده است. از عبارتی که قبل از

۱- تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۱.

۲- همان، ص ۲.

۳- همان، ص ۲.

۴- همان، ص ۵۶۳.

۵- تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، ص ۴۶۵.



ذکر فهرست اسامی آمده به وسیله نویسنده تایید می‌شود و از هر دو نام تاریخ آغاز و اتمام این تذکره بدست می‌آید. مؤلف می‌گوید:

”این فهرست تذکره خازن الشعرا که تاریخ انجام آن است و هم نام و «واقعات النادرات» نیز تاریخ اتمام و هم نام است“^۱.

مؤلف این تذکره شاه علی کبیر محمد میرنجان محمدی اله‌آبادی است که در مدت پنج سال کار تألیف این اثر گرانقدر را به پایان رسانید. آقای دکتر احمد گلچین معانی می‌گوید:

”نام اول تذکره برابرست با تاریخ شروع تألیف (۱۲۶۰ هـ.) و نام ثانی برابر با ختم آن (۱۲۶۵ هـ.)“^۲.

دوره تألیف این تذکره اگرچه از لحاظ سیاسی در تاریخ هند دوره هرج و مرج و شورش و انحطاط اجتماعی بوده و پس از وفات آخرین پادشاه برجسته و نیرومند مغول هند اورنگ‌زیب اکثر حاکمان ایالتی و منطقه‌ای رابطه خود را با حکومت مرکزی منقطع نموده بودند و دولت مرکزی هم خیلی ضعیف گردیده بود ولی وضع ادبی کاملاً دگرگون نشده بود و فارسی رونق خود را کاملاً از دست نداده بود و هنوز در بعضی از ایالت‌های این کشور ادبیات فارسی رایج بود. دکتر علی رضا نقوی درباره وضعیت این دوره چنین می‌نویسد:

”هنوز طرح انگلیسها برای کندن ریشه زبان و ادب فارسی از سرزمین هندوستان کاملاً به مرحله اجرا درنیامده بود و در بعضی نواحی هندوستان مانند دهلی و مدراس و حیدرآباد دکن، اود و سند که بتدریج تحت نفوذ و تسلط انگلیسها درآمد، مردم هنوز به زبان فارسی شعر می‌سروده و کتابهایی به این زبان تألیف می‌نموده‌اند“^۳.

۱- خازن الشعرا (خطی) از ذکر فهرست اسامی.

۲- تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، ص ۴۶۵.

۳- تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۱۹۹.

به هر حال وضع ادبی و فرهنگی این دوره کاملاً ضدّ فارسی نبوده بلکه تعداد زیادی از شاعران و محققان در کار علمی و تحقیقی خود به زبان فارسی مشغول بودند و نمونه اشعار ایشان در کتابهای تذکره که در این زمان تألیف گردیده کاملاً محفوظ است. در این دوره تذکره‌های زیر به زبان فارسی نوشته شده‌اند.

کلمات الشعرا، مقالات الشعراى حیرت، سفینه خوشگوى دفتر ثالث، تحفة الشعرا، تذکره بی‌نظیر، تذکره مردم دیده، تذکره انیس الاحبا، تذکره عقد ثریا، سفینه هندی، ریاض الوفاق، تذکره اشارات بینش، گلدسته کرناتک، تذکره صبح وطن، تذکره گلزار اعظم، لطایف الخیال، مرآة الخیال، سفینه خوشگو، ید بیضا، بهارستان سخن، ریاض الشعرا، منتخب الاشعار، تذکره حسینی، مجمع النفائس، سفینه الشعرا، سفینه عشرت، خزانه عامره، تذکره گل رعنا و غیره.

با مطالعه این تذکره‌ها معلوم می‌شود که صدها شاعر فارسی زبان در این دوره زندگی می‌کردند. شرح حال بسیاری از شاعران و نمونه شعری ایشان هم تکراری است ولی ذکر مفصل ایشان در تدوین تاریخ ادب فارسی بسیار مفید می‌باشد.

چنانکه گفته شد خازن الشعرا نام تذکره‌ای می‌باشد که در قرن ۱۳ هجری در شهر اله‌آباد بوسیله شاه علی کبیر محمد میرنجان محمدی اله‌آبادی نگارش یافت. مؤلف درباره تکمیل کار جمع‌آوری این تذکره می‌گوید:

”به تاریخ شب ششم ماه رجب المرجب شب یکشنبه سنه ۱۲۷۱ یکهزار و دو صد و هفتاد و یک من الهجرة النبویه صلی الله علیه و آله و اصحابه و سلم بید احقر الناس مؤلف التذکره عفا الله تعالی عنه - آمین، آمین، آمین“^۱.

استوری درباره تعداد شاعران تذکره خازن الشعرا می‌نویسد:

۱- تذکره خازن الشعرا در پایان فهرست اسامی.

”تراجم یکصد و نود شاعر جدید است. تقریباً همه هندی و بیشترشان شاگرد و مرید و دوست یا منسوبان عمومی او^۱ شاه خوب الله محمد افضل محقر اله آبادی یا کسی دیگر مربوط به این شخص“^۲.

دکتر علی رضا نقوی درباره تعداد شعرا چنین می نویسد:

”این تذکره مشتمل است بر ذکر ۱۹۰ شاعر که اول آن ناصر علی سرهندی (م: ۱۱۰۸ ه. است“^۳.

تعداد شاعران که در عبارت فوق‌الذکر آمده کاملاً درست است ولی اولین شاعری که ذکرش در این تذکره آمده شیخ ناصر علی سرهندی نیست بلکه میر سید محمد ساکن کالپی است که احقر تخلص می‌کرد. در این عبارت هم شیخ محمد افضل را به عنوان عمومی مؤلف معرفی کرده‌اند که مبنی بر حقیقت نیست. در حقیقت شیخ محمد افضل و شاه خوب الله اله آبادی هر دو شخصیت بزرگ دنیای تصوف بودند ولی عمومی مؤلف نبودند بلکه پدر بزرگ و نیای مؤلف بودند و دکتر علی رضا نقوی در این زمینه اشتباه کرده شاه خوب الله و شاه افضل را عمومی مؤلف نوشته‌اند.^۴

فهرست اسامی شعرای خازن الشعرا

آثم، تخلص مولوی عزیزالله اله آبادی.

آرزو، تخلص سراج‌الدین علی خان دهلوی.

آزاد، تخلص میر غلام علی آزاد بلگرامی - قدس سره.

آگاه، تخلص خواجه عبدالله عظیم آبادی.

۱- شاه خوب الله عمومی شاه میرنجان نبود بلکه جد بزرگ مادری او بود.

۲- تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، ص ۴۶۵.

۳- تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۵۶۳.

۴- همان، ص ۵۶۴.

اجمل، تخلص شاه محمد اجمل بن شاه محمد ناصر.
 اجملی، تخلص سید علی کبیر میرنجان محمدی الہ آبادی.
 احقر، تخلص میر سید محمد ساکن کالپی - قدس سرہ.
 احمدی، تخلص میر شاه لڈھا مرید سید احمد، خلف میر صاحب کالپوی - قدس سرہ.
 اختر، تخلص قاضی محمد صادق خان متوطن بندر ہنگلی.
 اسحاق، تخلص محمد اسحاق خان محمد شاہی.
 اسد، تخلص مفتی محمد اسد اللہ بن مولوی کریم علی مرحوم.
 اسلم، تخلص مولوی محمد اسلم الہ آبادی مرید شاه خوب اللہ.
 اشرف، تخلص شاه محمد حسن بن شاه محمد زمان الہ آبادی.
 افتخار، تخلص میر عبدالوہاب دولت آبادی تلمیذ میر آزاد.
 افسری، تخلص شیخ کمال مرید حضرت سید محمد کالپوی - قدس سرہ.
 افضل، تخلص شاه غلام اعظم نبیرہ شاه محمد اجمل - قدس سرہ.
 افضلی، تخلص شیخ محمد ناصر بن شاه خوب اللہ الہ آبادی.
 افقر، تخلص شیخ محمد فیض اللہ برادر حقیقی شاه خوب اللہ.
 الطاف، تخلص شاه الطاف رسول بن حاجی شاه محمد وارث - قدس سرہ.
 الفت، تخلص اُجاگر چند قوم کایستہ.
 الفت، تخلص میر محمد حنیف برادر میر افضل ثابت.
 الفتی، تخلص میر غیاث الدین نعمت اللہی.
 امیر، تخلص مولوی سید امیر حیدر نبیرہ میر غلام علی آزاد بلگرامی.
 انجام، تخلص عمدة الملک امیر خان محمد شاہی.
 انشا، تخلص میر انشاء اللہ خان لکھنوی پسر میر ماشاء اللہ خان.
 انصاف، تخلص شیخ محمد یحیی جونپوری مرید شاه خوب اللہ.
 ایجاز، تخلص ذوالقدر خان دہلوی.

برهان، تخلص آقا صالح صفاهانی.

بسمل، تخلص خواجه عبدالعزیز گورکھپوری مرید شیخ محمد افضل الہ آبادی - قدس سرہ.

بہار، تخلص منشی جُگل کَشَوَزُ الہ آبادی تلمیذ مُصیب - قدس سرہ.

بیخبر، تخلص میر عظمت اللہ بن شاہ لَدَاہا بلگرامی.

بیخود، تخلص میر بیخود فتحپوری از متوسلان شاہ خوب اللہ.

بیمار، تخلص میر زین العابدین نوادہ ای از دختر اول شیخ محمد افضل - قدس سرہ.

تائبی، تخلص شیخ عبدالنبی جدّ ماجد شیخ محمد افضل.

تمنا، تخلص شیخ پیر محمد ردولوی.

ثابت، تخلص میر افضل ثابت الہ آبادی.

ثبات، تخلص علی عظیم پسر میر افضل ثابت.

ثنا، تخلص میر آیة اللہ تلمیذ شیخ علی حزین.

جانی، تخلص شاہ جانی سردنجی خلیفہ میر سید احمد کالپوی - قدس سرہ.

جعفر، تخلص سید علی جعفر محمدی الہ آبادی - قدس سرہ.

جنون، تخلص خواجه ابوالفتح خان مرید شیخ محمد افضل - قدس سرہ.

جنون، تخلص شاہ غلام مرتضی بن شاہ تیمور الہ آبادی - قدس سرہ.

چشتی، تخلص شیخ عباد اللہ برادر خورد شاہ خوب اللہ الہ آبادی - قدس سرہ.

حاکم، تخلص حکیم بیگ خان، صاحب تذکرہ مردم دیدہ از محبّان شاہ غلام قطب الدین مُصیب الہ آبادی - قدس سرہ.

حزین، تخلص شیخ علی حزین گیلانی ثمّ البنارسی.

حسن، تخلص مولوی سید نورالحسن نوادہ صبیہ شاہ خوب اللہ الہ آبادی - قدس سرہ.

حقیر، تخلص مولانا کمال الدین محمد بن شیخ محمد افضل الہ آبادی - قدس سرہ.

حکمت، تخلص مولوی محمد عوض جونپوری از برادران وطن.

حکیم، تخلص ملاض محمد سعید یکی از احبای شاه مُصیب - قدس سره.
 حیدر، تخلص شاه غلام حیدر بن شاه غلام قطب‌الدین مُصیب اله‌آبادی - قدس سره.
 حیرت، تخلص شاه محمد علیم نواده شاه خوب الله اله‌آبادی.
 خادم، تخلص مولوی خادم حسین خان بن مولوی عبدالقادر خان مرحوم بنارسی.
 خرد، تخلص خواجه یحیی خان سمرقندی یکی از احبای حضرت مُصیب - قدس سره.
 خرد، تخلص ملّا جلال‌الدین جونپوری یکی از احبای حضرت مُصیب - قدس سره.
 خورشید، تخلص مولوی خورشید علی بن شیخ محمد سمیع نواده شیخ محمد افضل اله‌آبادی - قدس سره.
 خیال، تخلص سید محمد احمدآبادی تلمیذ ثابت.
 دردمند، تخلص فقیه صاحب دکهنی تلمیذ امیر مرزا مظهر کتواپوری بنارسی.
 درویش، تخلص شیخ درویش محمد نواده دختر شیخ محمد افضل اله‌آبادی - قدس سره.
 ذاکر، تخلص مولوی ذاکر علی کتواپوری بنارسی.
 راحت، تخلص میر عبدالرسول کشمیری از یاران شیخ محمد فاخر زائر - قدس سره.
 راز، تخلص محمد عوض خان نیشابوری.
 رشید، تخلص میر عبدالرشید جاییسی.
 رضا، تخلص شاه علی رضا بن البنت ملّا جمال‌الدین احمد.
 رفعت، تخلص حضرت سید محمد یوسف بن شاه فضل‌الدین بن سید احمد کالپوی - قدس سرهما.
 رفعت، تخلص قاضی سرفراز علی خان مرحوم اله‌آبادی نواده شیخ لطف الله.
 رفیق، تخلص ملّا حسن نامی ولایتی صفاهانی الاصل.
 رنگین، تخلص منشی بلاس رای اله‌آبادی.
 رونق، تخلص حکیم حبیب ملازم صمصام‌الدوله.



رونق، تخلص منشی رام سہای لکھنوی از احبای شاه علی کبیر محمد میرنجان محمدی
الہ آبادی.

زائر، تخلص حاجی الحرمین شیخ محمد فاخر محدث بن شاه خوب اللہ الہ آبادی.
فائدہ ذکر عصابہ محمدیہ مناقب ابوذر غفاری - رضی اللہ تعالیٰ عنہ.
زوآر، تخلص شیخ محمد ماہ غازیپوری مرید و تلمیذ حضرت زائر - قدس سرہ (کہ اوّل
نسیم تخلص می کردہ).

ساکن، تخلص مرزا عنایت بیگ دہلوی تلمیذ مرزا فاخر مکین.
سامان، تخلص مولوی احمد اللہ کشمیری استاد سیف الدین محمد خان ناظم الہ آبادی.
سپاہی، تخلص غلام اسماعیل انصاری الہ آبادی.
سجاد، تخلص میر علی سجاد بن سید صفدر علی.
سرخوش، تخلص محمد افضل دہلوی تلمیذ موسوی خان فطرت.
سمیع، تخلص شیخ محمد سمیع بن شیخ غلام رضا بن شیخ غلام بدیع الدین بن البنت
شیخ محمد افضل الہ آبادی.

سنا، تخلص سنا اللہ سنہلی نقشبندی تلمیذ شاه ولی اللہ محدث دہلوی.
شاد، تخلص ادیب چند پندت الہ آبادی.
شایق، تخلص محمد جوآد نام دہلوی ثم الالہ آبادی.
شفیع، تخلص میر محمد شفیع ملطانی تلمیذ ثابت الہ آبادی ثم الدہلوی.
شہید، تخلص شیخ غلام حسین برادر اعیانی شیخ اسد اللہ غالب نوادہ شیخ محمد افضل
الہ آبادی.

شہید، تخلص شیخ غلام حسین غازیپوری همعصر مصیب - قدس سرہ.
شہید، تخلص مولوی غلام امام امیتھوی ثم الالہ آبادی.
شوق، تخلص شیخ خدابخش الہ آبادی.

شیون، تخلص میر احسن علی عظیم آبادی حضرت از یاران حضرت مُصیب
- قدس سره.

صابر، تخلص شیخ محمد اسدالله نواده شیخ محمد افضل - قدس سره.

صاحب، تخلص سید صاحب عالم مارهروی سلمه.

صاحب، تخلص محمد مسیح کاهی از همعصران حضرت مُصیب.

صادق، تخلص مولوی محمد صادق اله آبادی.

صانع، تخلص شیخ نظام الدین احمد بلگرامی.

صفیری، تخلص شخصی جونپوری است.

طالع، تخلص میر عبدالعلی حسینی صفاهانی.

طاهر، تخلص غلام شیخ محمد طاهر مهین پور شاه خوب الله.

طوفان، تخلص مولانا طوفان مازندرانی صفاهانی.

ظاهر، تخلص ملا محمد سعید نامی از خادمان نواب خانجهان بهادر اله آبادی مرحوم.

عارف، تخلص محمد عارف بلگرامی.

عارف، تخلص مولانا محمد عارف اکبرآبادی.

عاشق، تخلص نواب سعیدالله خان غازیپوری.

عاصی، تخلص شیخ سعدالله برادر کلان شاه خوب الله.

عاصی، تخلص مرزا امدادالله بیگ اله آبادی.

عاقل، تخلص مرزا عاقل مخاطب دانشمند خان شاهجهان آبادی.

عالی، تخلص حضرت شاه ابوالمعالی بن حضرت شاه اجمل اله آبادی

عبرت، تخلص خواجه عبداللطیف خان مرید حضرت شیخ محمد افضل - قدس سره.

عرفان، تخلص سلطان ابوسعید بن شاه فضل الله کالپوی.

عسکری، تخلص میان عسکری بن محمد عاشق همت مخلص اله آبادی.

عشقی، تخلص سید برکت الله، عرف ابوالبرکات مارهروی.



عطایی، تخلّص شیخ عبدالکریم جونپوری.
علی، تخلّص میان ناصر علی سرهندی - قدّس سرّه - مرید خواجه محمّد معصوم سرهندی.

عنایت، تخلّص سیّد شاه عنایت الله لاهوری اله آبادی.
غالب، تخلّص شیخ محمّد اسدالله نواده شیخ محمّد افضل اله آبادی.
غریب، تخلّص سیّد کریم الله بلگرامی ابن الابن شاه کدّھا.
فائز، تخلّص استاد شاه علی کبیر محمّد میرنجان، مولانا روح الفیاض مرحوم مغفور.
فائز، تخلّص محمّد ثابت اکبرآبادی بن مولانا محمّد عارف اکبرآبادی.
فارغ، تخلّص سیّد غلام مصطفی برادرزاده شاه کدّھا بلگرامی.
فخرا، تخلّص آقا فخرا ایرانی محمّد شاهی.
فدا، تخلّص مرزا محمّد اله آبادی.

فراق، تخلّص مرزا مرتضی علی بیگ پسر وزیر شاه عبّاس.
فرد، تخلّص میر اسدالله برادرزاده فارغ.
فروغ، تخلّص مرزا محمّد علی شاهزاده صفاهانی مقیم هند.
فصیح، تخلّص مولوی محمّد فصیح برادر اعیانی حاجی محمّد یاسین جونپوری استاد حضرت مُصیب اله آبادی.

فضل، تخلّص سیّد فضل مولی خان افضل الشعراى دهلی - پادشاه دهلی.
فضلی، تخلّص عارف خدا آگاه میر سیّد شاه فضل الله بن سیّد احمد بن حضرت میر سیّد حضرت ساکن کالپی - قدّس الله سرّه العزیز.

فقیر، تخلّص میر شمس الدّین دهلوی.
فقیر، تخلّص میر نوازش علی خلف میر عظمت الله بلگرامی.
فیض، تخلّص محمّد فیض از مسترشدان حضرت شاه خوب الله اله آبادی.
قابل، تخلّص خواجه محمّد پناه کشمیری تلمیذ مرزا بیدل.

قاری، تخلص شیخ عبدالرسول قاری دهلوی.
قانع، تخلص شیخ غلام علی خلف شیخ غلام محمد خانجهانی الهآبادی.
قبول، تخلص مرزا عبدالغنی کشمیری.
قتیل، تخلص مرزا محمد حسن قتیل لکهنوی.
قدسی، تخلص سید محمد جان مرحوم برادر اعیانی شاه علی کبیر محمد میرنجان.
کاشفی، تخلص حضرت میر سید احمد کالپوی - قدس سره.
کافر، تخلص میر سید علی نقی مسافر مادح شاه حضرت مصیب.
کامل، تخلص سید احمد جان مرحوم برادر خورد شاه علی کبیر محمد میرنجان.
گداز، تخلص شاه شکرالله جونپوری.
گرامی، تخلص و نام پسر مرزا عبدالغنی کشمیری.
گلشن، تخلص شیخ سعدالله مرید شاه گل سرهندی.
لایق، تخلص میر محمد مراد جونپوری که در عین عنفوان به تبریز برای ملاقات مرزا صائب رفته.
متین، تخلص عبدالرزاق ایرانی الاصل ثم اللکهنوی.
محبّت، تخلص نواب محبت خان پسر نواب حافظ رحمت خان مرحومین.
محزون، تخلص مولوی غلام حسین الهآبادی از خوش باشان الهآباد بوده.
محقّر، تخلص حضرت شیخ محمد افضل الهآبادی - قدس سره.
محمد، تخلص شاعری از تلامذه حضرت شاه خوب الله.
محیط، تخلص مرزا محیط الدین خان مشهدی.
مخلص، تخلص آنند رام اکبرآبادی.
مشرب، تخلص بهوری سنگه اکبرآبادی.
مصحفی، تخلص شیخ غلام همدانی لکهنوی.
مصدر، تخلص میر ماشاءالله خان است.

مُصیب، تَخَلَّص شاه غلام قطب‌الدین نبیره شاه خوب الله اله‌آبادی.
 مضطر، تَخَلَّص شیخ علی بخش بن شیخ سپاهی اله‌آبادی.
 مظهر، تَخَلَّص مرزا جانجانان مظهر شهید دهلوی - قدس سره.
 معنی، تَخَلَّص میر علی اصغر انصاری از معتقدین حضرت میر سید محمد کالپوی
 - قدس سره.
 مفتون، تَخَلَّص شیخ مؤمن علی کاکوروی.
 مکین، تَخَلَّص مرزا محمد فاخر دهلوی ثمّ اللکهنوی.
 ملتمس، تَخَلَّص منشی بلاغت نشان مولوی محمد مهدی کورهوی.
 منت، تَخَلَّص میر قمرالدین دهلوی تلمیذ میر شمس‌الدین فقیر.
 منتظر، تَخَلَّص شیخ عبدالله نام از مخصوصان مُصیب بوده.
 ناصر، تَخَلَّص محمد ناصر خان داماد محمد قاسم خان عالیجاه - قدس سره.
 ناطق، تَخَلَّص گل محمد خان صفاهانی ثمّ اللکهنوی است.
 نجف، تَخَلَّص شاه محمد اعلی بن شاه محمد علیم حیرت اله‌آبادی - قدس سره.
 نجفی، تَخَلَّص شاه غلام خوب الله عرف پادشاه میان مهین‌پور شیخ محمد ناصر افضل
 - قدس سره.
 نزهت، تَخَلَّص مولوی برهان‌الدین محمد ساکن دیوه برادرزاده مولوی شاه ذوالفقار علی
 حقیر.
 نسیم، تَخَلَّص شیخ محمد ماه غازیپوری که اول تَخَلَّص نسیم می‌کرد، بعده زوار
 تَخَلَّص کرده.
 نصیر، تَخَلَّص شاه محمد نصیر محب‌اللّهی که در ضمن آن احوال شاه محب‌الله
 - قدس سره است.
 نظمی، تَخَلَّص مرزا منشی مولراج اله‌آبادی تلمیذ حیرت اله‌آبادی.
 نقش، تَخَلَّص میر نقش علی لکهنوی است.

نقی، تخلص محمد نقی خلف حضرت شاه گل سرهندی - قدس سره.
نوا، تخلص ظهورالله خان بدایونی مخلص شاه محمد اجمل اله آبادی - قدس سره.
نوید، تخلص مرزا غلام علی بیگ مغول کوتوال اله آباد که از احبای شاه محمد فاخر و
شاه محمد ناصر بوده.
نوید، تخلص میر نورالدین دهلوی است.
نیاز، تخلص جمال الدین دهلوی است.
واجد، تخلص خواجه محمد واجد.
وارث، تخلص حاجی شاه محمد وارث اله آبادی.
وارد، تخلص مرزا محمد شفیع صفاهانی.
وارد، تخلص میان محمدی همشیره زاده مولوی نورالعین واقف.
وارسته، تخلص نواب حسن قلی خان ناظم چانگام مخلص زائر.
واقف، تخلص مولوی نورالعین لاهوری بتالوی - رحمه الله تعالی.
وحدت، تخلص میان شیخ عبدالاحد، عرف شاه گل سرهندی - قدس سره.
وداد، تخلص شاعری همعصر مصیب.
وصالی، تخلص میر سید فتح محمد معاصر شیخ محمد فاخر.
وفا، تخلص مرزا احمد علی همدانی ثم الاله آبادی.
هاتف، تخلص مرزا ابوعلی لکهنوی تلمیذ مرزا فاخر مکین.
هادی، تخلص مولوی عبدالهادی امامی است.
همت، تخلص محمد عاشق گورکھپوری ثم الاله آبادی همت خانی.
یاسین، تخلص شیخ یاسین بنارسی از مسترشدان حضرت شیخ محمد افضل اله آبادی
- قدس سره.
یحیایی، تخلص میر عبدالرسول خلیفه کارکرده حضرت شاه خوب الله اله آبادی
- قدس سرهم.

یحییٰ، تخلّص حضرت شیخ محمد یحییٰ، عرف شاه خوب الله اله آبادی - قدّس سرّه.
ذکر حافظ امان الله بنارسی مرید و خلیفه حضرت شاه خوب الله اله آبادی
- قدّس سرهما.

یوسف، تخلّص میر محمد یوسف دخترزاده میر عبدالجلیل بلگرامی برادر خاله میر
غلام علی بلگرامی آزاد تخلّص - قدّس سرهم.

چنانکه گفته شد مؤلف این تذکره گرانقدر سید علی کبیر معروف به محمد
میرنجان محمدی اله آبادی بود. دکتر احمد گلچین در کتاب خود آورده که:
"مؤلف علی کبیر معروف به محمد میرنجان اجملی پسر سید علی جعفر
محمدی حنفی نقشبندی اله آبادی است"^۱.

دکتر علی رضا نقوی درباره مؤلف عبارت بالا را تایید نموده و می گوید که:
مؤلف در ۲۸ محرم ۱۲۱۲ هجری به دنیا آمده و مادر و پدر وی از اولاد عارف و فاضل
معروف بنام شاه خوب الله که اسم اصلی وی محمد یحیی است بودند. مؤلف چندین
کتاب در فقه و غیره تألیف و یک دیوان و چندین مثنوی نیز سروده است"^۲.

همچنین کتاب «سرالشهادتین» تألیف عبدالعزیز دهلوی را در سال ۱۲۵۱ هجری در
غازیپور از عربی به فارسی بنام «اظهارالسعادة فی ترجمه اسرارالشهادة» ترجمه کرد که
در سال ۱۲۵۳ هجری با متن عربی در کلکته به طبع رسیده است.

مولانا عبدالحی در کتاب نزهة الخواطر درباره مؤلف می نویسد:
"شیخ فاضل علی کبیر پسر علی جعفر فقیرالله حسینی اله آبادی یکی از علمای
صالح است. در شهر اله آباد دو شب مانده از محرم سال ۱۲۱۲ هجری
تولد یافت. کتابهای درسی مختصر را در نزد عموی پدرش سید نورالحق

۱- تاریخ تذکرةهای فارسی، ج ۱، ص ۴۶۵.

۲- تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، ص ۵۶۳.

فراگرفت. شرح میبدی بر هدایه الحکمه و نیز شرح عقاید نسفی را در محضر شیخ رضی الدین اله آبادی و پسرش نصیرالدین آموخت. نیز در نزد او کتابهای دیگری مثل تحریر اقلیدس و سلم العلوم و شرح سلم و میر زاهد ملا جلال و میر زاهد در رساله و دیگر کتابهای منطق را خواند و قسمتی از مختصر المعانی را در نزد محمد حنیف ولایتی خواند و دیگر کتابهای درسی را در محضر مولانا روح الفیاض المؤی آموخت و در بسیاری از علوم و فنون از محضر او استفاده کرده و طریقت را از پدرش فراگرفت و اسناد حدیث را از او و سید ادریس مغربی محدث اخذ کرد. به تدریس و تألیف پرداخت و از مصنفات او «تحفة الکبیر فی مناقب الخلفاء و اصحاب التطهیر»، «تحاف ارباب الحیاة لأرواح الاموات» و «وظیفه القبول فی ذکر تعیین مولد الرسول»، «غایة التوضیح فی مشروعیة التسبیح»، «رسالة صنفها فی ابطال التقیه»، «هدایة الاحباب فی کشف عماشجر بین الاصحاب»، «خلاصة المناقب فی فضائل آل بیت سید آل غالب»، «غایة المطالب فی بحث ایمان ابی طالب»، «اظهار السعادة» و «الاربعین فی مناقب الخلفاء الراشدين» و «نجوم الاهتداء فی اقتدا الاربعة من الأئمة الخلفاء» و «مطلوب الطالبین فی اسماء رجال الاربعین» و «غایة البیان فی ذم مروان» و «ضیاء القلوب فی سیرالمحبوب» و «تقویة الایمان فی فضائل شهر رمضان» و «عزة الكمال فی ذکر شهر شوال» و «بسط الکلام فی فضائل ذی الحجة الحرام» و «الشعرة المبشرة فی مناقب العشرة» و «الفوائد و الفوائد الجعفریه» و «انتخاب العقیده» و «صحيفة العوائد فی ذکر وفاة الوالد» و «ترجمة رجال الشمامل للترمذی»^۱.

۱- نزهة الخواطر، ج ۷، ص ۳۴۲ و ۳۴۳.



در حقیقت مؤلف این تذکره شاه میرنجان مرد دانشمند روزگار خود بشمار می‌رفت. او نبیره شاه محمد اجمل اله‌آبادی بود. علاوه بر کتابهای فوق‌الذکر که اکثراً در علم فقه و علم کلام نوشته شده، شاه میرنجان شاعر چیره‌دست زبان فارسی هم بوده و مثنوی معروفی بنام «سلک الجواهر» هم نوشته است که ابیاتی چند از آن مثنوی به شرح زیر می‌باشد:

الهی چون صدف گردان زبانم	در افشان ساز سلک ترجمانم
دلَم را جوهر اسرار آموز	شیم از شب چراغ مهر افروز
گشا مهر خم و خمخانه فیض	بده ته جرعه پیمانۀ فیض
ز ابر رحمتت باران احسان	برای شست و شوی من به باران
بده توفیق تا حمد تو گویم	در این بستان گل توحید بویم
دماغم را معطر کن از آن بوی	دل و جانم معنبر کن از آن بوی
بنوشان باده‌ای از جام وحدت	فرامش تا نمایم جمله کثرت
زبانم را گهر سنجی عطا کن	دلَم را صفة صدق و صفا کن

در مناجات باری تعالی می‌گوید:

خداوندا شبم را روز بنمای	نقاب از چهره مقصود بگشای
پی درد دلَم یارب دوا ده	ز صحبت خانه خویشش شفا ده
دل و جانم اسیر درد و رنج است	کجا در خاطر من سیل گنج است
کرامت کن به ریشم مرهمی را	بده جمعیتی دل برهنم را
تجلی ده چو موسی خانه‌ام را	ز ظلمت بر دل دیوانه‌ام را
مطیع نفس شیطانم خدایا	پشیمانم، پشیمانم خدایا

*

اگر در ظلمت شبهای تاریک	گنهگاران بروز آیند نزدیک
مسیحایی نماید در سحرگاه	دم لاتقنطوا من رحمة الله
دلَم را وارهان از حمل مهمل	بیر زنگ دلَم مثل سجن جل
بیان فرما خودم چون نیست تدبیر	به حق مصطفی دست مرا گیر

این مثنوی طولانی است و داستان عشق یک نوجوان حیدرآبادی را بیان نموده است.

شاه میرنجان سید غزل هم سروده است و نمونه غزلهایش به شرح زیر است:

آن بی‌وفا نکرد گذر بر مزار ما مردن هزار حیف نیامد بکار ما
جان داده مکالمه لن ترانیم شمع تجلی است چراغ مزار ما

*

به یک گناه انا الحق به خلق چون منصور چرا عبث به سردار کرده‌اند مرا
مپرس از سبب بی‌خودی من ساقی ز جام عشق تو سرشار کرده‌اند مرا
بکوه دشت پس از قیس کوهکن سید به عشق قافله سالار کرده‌اند مرا

غزل دیگر:

بهار آمد، بده ساقی بدستم ساغرم را رسان تا گوشم از جوش صراحی بانگ قل قل را
بوقت نزع چشمم بند می‌سازد از آن قاتل که تا محشر بماند حسرت دیدار او دل را

*

بردی ای کافر به یک نظاره ایمان مرا با رقیبان ساختی و سوختی جان مرا

*

آشفته مکن من حزین را مگشای دو زلف عنبرین را
ترشد چو ز رشک دامن من بر چشم نهادم آستین را

*

کشتن و باز زنده بنمودن این نه کار کسی‌ست، کار کسی‌ست

*

گل چه کنم، گل بدنم آرزوست غنچه نیویم دهنم آرزوست
تا که شوم خاک رهش بعد مرگ مشت غباری شدنم آرزوست

*

نرگس مستش به یک گردش مرا بیمار کرد در دو چشم زار من خواب آمدن دشوار کرد

*

شراب از خون بسمل بود شب جایی که من بودم

کبابِ پاکی دل بود شب جایی که من بودم

به هجر یک پریرویی به یاد چشم و ابرویی

دو چشمم بحر سایل بود شب جایی که من بودم

*

جهانی در پی آزار و من محو جمال او رقیبان را خیال من مرا هر دم خیال او
باید یادآوری کرد که این تذکره در زمانی نگارش یافت که فارسی رونق فوق‌العاده
خود را از دست داده بود و زبان انگلیسی مراحل پیشرفت را طی می‌نمود و شعرا و
نویسندگان هندی که به زبان فارسی شعر می‌سرودند یا نثر می‌نوشتند، نتوانستند از
کاربرد واژه‌های زبان اردو اجتناب کنند. زبان تذکره خیلی ساده و روان است ولی خالی
از لذت سبک هندی نیست.

چنانچه در مقدمه تذکره خازن الشعرا مؤلف می‌نویسد:

”هذه تذكرة لاولى الابصار و تبصرة لاهل الاذكار و شجرة من فراديس الكلام و ثمرة
من اشجار الافهام، بكر عروس فکرم که در حجله بیان جاگزین است و
حجله‌نشین و کرم که در پرده تبیان جانشین عروسی است زیبا و دلبری است
رعنا که صد هزار غزه (غازه؟) انداز نثار سراپای او و هزار هزار عشوه و ناز
تصدیق هر عضوی از اعضای او. سهی بالایی که سرو چمنستان سخن‌سازی
در پیش او خم و گل خوشنمایی که شکفتگی غنچه گلستان قصه‌پردازی
رو به روی او درهم. جای آن دارد که به ترویج زبان‌آرایی، بل سخن‌آفرینی که
آفریدگار سخن زبان است نشو و نما یابد و حسن خویش را در آئینه بیان
جلا نماید. هر چند به پای‌طلب، جستجوها نمودم و از زمان دراز در همین فکر
بودم، لیکن مکنون خاطر و مرکوز دل دریا مقاطر نوعی به منصفه ظهور جلوه
نمی‌ساخت و نرد عدم حصول این به همین مأمول با من متجسس می‌باخت.
آخر الامر به خاطر گذشت که این گوهر ناسفته و سخن ناگفته از الماس حمد
شیرازه‌بند نسخه نظم ایجاد و تکوین سفته شود و آنچه حقه سخن از درج دهن

تنگش برآید، در همین گفته؛ لهذا عنان اشهب تیزگام قلم را از این وادی معطوف و طبیعت به حمد مایل را به هزار بهجت و سرور به آن مصروف ساخته، ردیف بسمله گنج فراید بیضای سرّ مکنون عروض حمد قافیه سنج قصاید غرای کن فیکونی است که به پله میزان خرد سنجیدنش و غریق بحر ناپیدا کنار عقل را به امعان نظر دیدنش محال. فردی که رباعی چار آخشیج چون مصرع چارم مربع نشینی، چار بالش قدرت اوست و مسدّس جهات ستّه، مثل بلندی طارم اوج‌گیرای شهرت از فیض و برکت او و مخمّس حواس خمسه و مثنّ هشت بهشت و مسبّع سبع سماوات از تخمیس و تثمین و تسبیح آن گره‌بند رشته شیرازه موجودات چه خوش موزون است و هر یکی را علیحده علیحده هزار نراکت و باریکی بندش مضمون:

تعالی الله صفاتش عین ذاتست نظام نظم و نسق کایناتست^۱

بسیاری از تذکره‌های فارسی که در قرن نوزدهم میلادی به نگارش درآمدند مانند لطایف الخیال و سفینه خوشگو و یدّ بیضا، بهارستان سخن، منتخب الاشعار، و تذکره حسینی، خزانه عامره و گل رعنا، صحف ابراهیم، خلاصه الافکار، مخزن الغرایب و انیس العاشقین، معراج الخیال و نتایج الافکار شرح حال و نمونه اشعار شعرای متقدم و حتی گاهی بعضی شعرای متأخر را از تذکره‌های سابق نقل کرده‌اند ولی طرز نگارش این تذکره خیلی متفاوت است. گاهی لطافت و شیرینی عبارت مسجع، کاربرد واژه‌های عربی و کلمات دارای موزونیت صوتی هم دیده می‌شود و نه تنها شرح حال بلکه انتخاب نمونه کلام هم تازگی دارد. ابیاتی چند از شاعران مختلف در این تذکره مندرج و از سلیقه و حسن انتخاب مؤلف گواهی می‌دهند.

ما خراب شیوه آن نرگس مستانه‌ایم از ازل پامال گردشهای این پیمانهایم

*

۱- تذکره خازن الشعرا (خطی).



خاطر آزرده دارم من ز مژگان کسی سینه ریشم از خراش نوک پیکان کسی
(افسری کالپوی)

*

شبی در خواب دیدم هاله ماه است آغوشم
سحر چون دیده واکردم تو بودی در کنار من
(الف‌اله‌آبادی)

*

تا غلام قد تو من شده‌ام سرو آزاد کرده‌اند مرا
(آزاد بلگرامی)

*

کافری دل ز مسلمانی برد کس به فریاد مسلمان نرسید
(افضلی‌اله‌آبادی)

*

مگو با یار حرف ناملایم رگ گل طاقت نشتر ندارد
(طاهر مهین‌پوری)

*

روز محشر غبار تربت ما دامن بوتراب می‌خواهد
(صابر اله‌آبادی)

*

شورش‌ی دارم درون سینه، خونبارم چو شمع
گریه در بر، شعله بر سر، کف به لب دارم چو شمع

*

ابروی مُشکین یار خویش را حرز سیف الله می‌دانیم ما

*

لب گزیده اغیار را چه بوسه دهم عقیق‌کنده نام دگرچه کار آید
(افضلی‌اله‌آبادی)

واضح و مبرهن است که تذکره اطلاعات فراوانی از اوضاع زمان خود فراهم می‌نماید و خوانندگان را با طبقات روش فکر جوامع آشنا می‌سازد و مهم‌تر آنکه تذکره‌نویسی گذشته را به حال پیوند می‌دهد.

درباره اهمیت این تذکره می‌توان گفت که مؤلف آن شخصیتی شناخته شده است که دارای آثار دیگری هم می‌باشد. تذکر با فهرست الفبایی دستیابی به احوال شاعر مورد نظر آسان می‌نماید و نمونه اشعار شاعران را بدست می‌دهد. در مواردی به جزئیاتی اشاره کرده است که در تذکره‌های دیگر نمی‌توان یافت. تذکره تعداد زیادی از شاعران فارسی هندی را اولین بار به دنیای ادب فارسی معرفی می‌نماید و حلقه مفقوده تاریخ ادبیات فارسی تا قرن نوزدهم میلادی را معرفی خواهد کرد.

لازم به یادآوری است که مانند تذکره‌های دیگر در خازن الشعرا هم ذکر شاعران هندی و ایرانی وجود دارد و این مطلب را به اثبات می‌رساند که تذکره‌نویسی نه تنها روابط فرهنگی هند و ایران را حفظ کرده است بلکه در راه پیشرفت این روابط دیرینه و کهنسال هم نقش مهمی ایفا نموده است.

منابع

۱. اجملی اله‌آبادی، سید علی کبیر محمد میرنجان: تذکره خازن الشعرا (خطی)، کتابخانه اندیا آفس، شماره نسخ ۳۸۹۹.
۲. اختر مهدی، دکتر: شاه محمد اجمل اله‌آبادی و ادب فارسی، مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران، دهلی‌نو، ۱۹۹۲ م.
۳. حسنی لکهنوی، حکیم عبدالحی: نزهة الخواطر، دائرة المعارف العثمانیه، حیدرآباد، ۱۳۹۹ هـ. ۱۹۷۹/ م، ج ۷.
۴. علی رضا نقوی، دکتر: تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، مؤسسه مطبوعاتی علمی، تهران، ۱۳۸۳ هجری.



۵. گلچین معانی، دکتر احمد: تاریخ تذکره‌های فارسی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۸، ج ۱ و ۲.

* * *